


The analysis of middle class Identity Characteristics and evolutions in Tehran (1380-1400)

Reza Taslimi Tehrani , Assistant Professor, research center for culture, art, and communication. Tehran. Iran. Email: taslimi@ricac.ac.ir.

Abstract

Introduction: Discussions about the middle class in Iranian society have long been prominent and contentious. As such, research on the identity of middle-class members constitutes a valuable and practical inquiry. This study aims to describe and analyze various dimensions of middle-class identity in Tehran during the 1980s and 1990s (1380–1400 SH).

The research is informed by Pierre Bourdieu's and Anthony Giddens' theoretical frameworks on social class and identity. Drawing on Bourdieu's theory, the study focuses on key concepts such as field, habitus, and forms of capital—economic, cultural, social, and symbolic. Through the distribution of economic and cultural capital among individuals, the study identifies distinctions between the upper, middle, and lower classes, as well as internal stratifications within the middle class, including the upper-middle, middle-middle, and lower-middle segments. In line with Giddens' perspective, identity is understood as a social, dynamic, and reflexive process, continuously constructed through everyday social interactions.

Method: This study employs life history interviews and focus group discussions as primary data collection methods. Ten middle-class individuals were interviewed using the life history method, and five others participated in a focus group. All interviews were in-depth and semi-structured. Participants were selected through theoretical sampling, and the number of interviews was determined by the point of theoretical saturation. Data were analyzed using qualitative content analysis. The process involved coding the data, identifying key concepts and categories, and discerning recurring patterns.

Findings and Results: The findings indicate that the collective, religious, and political dimensions of middle-class identity were notably strong during the 1980s and early 1990s but have significantly weakened since the mid-1990s. In the earlier period, middle-class individuals exhibited a strong sense of collective identity, actively participated in social organizations, and maintained extensive family and friendship networks. Religiously, they adhered to religious values and regularly practiced rituals. Politically, they engaged in elections and social movements. In contrast, during the later period, participation in associations and group activities declined. Social networks became more restricted, religious practices shifted toward individualized or secular forms, and engagement in political and social affairs diminished. Notably, a sense of national identity as Iranian citizens remained a source of pride for middle-class individuals throughout both decades.

Keywords: middle class, collective identity, religious identity, national identity, political identity





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل ویژگی‌ها و تحولات هویتی اعضای طبقه متوسط در شهر تهران (۱۳۸۰ - ۱۴۰۰ ه.ش)

رضا تسلیمی طهرانی^۱

چکیده

طبقه متوسط و تحولات هویتی اعضای آن در جامعه ایران موضوع مباحث و مناقشات گوناگونی بوده است. پژوهش حاضر به دنبال توصیف و تحلیل خصوصیات هویت اعضای این طبقه و تحولات آن در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در شهر تهران است. در این راستا، از دیدگاه‌های نظری پی‌برداری در مورد طبقات اجتماعی و دیدگاه‌های آنتونی گیدنز در مورد هویت استفاده می‌شود. در اینجا، با استفاده از روش‌های سرگذشت پژوهی و گروه متمرکز با ۱۵ نفر از اعضای این طبقه در شهر تهران مصاحبه شده و با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی اطلاعات تحلیل شده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ویژگی‌های هویتی اعضای طبقه متوسط در شهر تهران در ابعاد هویت جمعی/فردی، دینی/غیردینی، سیاسی و ملی توصیف و تحلیل شده است. بررسی تحولات هویتی اعضای طبقه متوسط نشان می‌دهد در حالی که هویت جمعی، دینی و سیاسی آن‌ها از ابتدای دهه ۸۰ تا اواسط دهه ۹۰ از قدرت و شدت بیشتری برخوردار بوده است ابعاد هویتی ذکر شده در فاصله سال‌های میانی دهه ۹۰ تا پایان این دهه تضعیف شده است.

واژگان کلیدی

طبقه متوسط، هویت جمعی، هویت دینی، هویت سیاسی، هویت ملی.

مقدمه

طبقه متوسط یکی از مهم‌ترین طبقات جامعه است که نقش مهمی در تغییرات اجتماعی و فرهنگی ایران ایفا می‌کند. در این راستا، پرسش از هویت اعضای این طبقه و تحولات هویتی آن‌ها می‌تواند نشانگر تغییرات و تحولات وسیع فرهنگی و اجتماعی جامعه باشد. مفهوم هویت غالباً با کیستی انسان مرتبط است. هویت عبارت است از توانایی انسان در شناختن اینکه چه کسی است؟ و این امر متضمن آن است که بدانیم چه کسی هستیم و دیگران چه کسانی هستند؟ (گیدنز، ۱۳۹۶، ۴۱۶). هویت به مجموعه‌ای از خصایص، باور، ارزش و سایر جنبه‌های شخصیتی اشاره دارد که در آن افراد و گروه‌ها جهان خود را ساخته و با اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند و این هویت شامل پنداشت افراد از این است که چه کسی بوده و چگونه جایگاه خود را در جامعه درک نموده، فهمیده و اینکه از سوی دیگران چگونه ارزیابی می‌شوند؟ (عشایری و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۷). از این رو، هویت مفهومی اجتماعی است که از ابعاد مختلفی برخوردار است. هویت فردی و جمعی، هویت سنتی و مدرن، هویت دینی و غیردینی، هویت ملی، قومی و جهانی، هویت سیاسی، هویت شغلی و ... می‌توانند نمونه‌هایی از این ابعاد باشند (حاجیانی، ۱۳۸۸، تورن ۱۴۰۳، Giddens, 2002، Postmes, 2010، Worchel, 2013).

به لحاظ نظری، در متن حاضر، طبقه در مفهومی که پی‌یر بوردیو از آن مراد کرده است در نظر گرفته می‌شود و هنگامی که از طبقه متوسط در ایران سخن می‌گوییم منظورمان افرادی است که از نظر در اختیار داشتن سرمایه اقتصادی (مانند شغل، درآمد و دارایی) و سرمایه فرهنگی (مانند تحصیلات) در موقعیتی میانی و در بین طبقات بالا و پایین جامعه قرار دارند. (Savage, 2015: 43). بر این اساس، طبقه متوسط خود به سه خرده طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم می‌شود. طبقه متوسط بالا دربرگیرنده افرادی است که سرمایه اقتصادی آن‌ها از سرمایه فرهنگی‌شان بیشتر است. در برابر طبقه متوسط پایین افرادی را در برمی‌گیرد که سرمایه فرهنگی آن‌ها از سرمایه اقتصادی‌شان پیشی گرفته است. طبقه متوسط متوسط نیز شامل افرادی است که میزان سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی آن‌ها برابر است (Turner, 1998: 513).

جامعه ایران در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ با دگرگونی‌های مختلفی مواجه شده است که هر یک به طریقی با طبقه متوسط و ابعاد هویتی آن مرتبط بوده است. به عنوان نمونه

می‌توان پرسید آیا در این دهه‌ها، با نوعی سیاست‌زدایی در بین اعضای طبقه متوسط مواجهیم یا آنکه می‌توان توجه و علاقه‌مندی به‌گونه‌ای از امر سیاسی را در بین این اعضا سراغ گرفت؟

این مطالعه به توصیف و تحلیل ویژگی‌های هویتی اعضای طبقه متوسط در شهر تهران و تشخیص روند تغییرات صورت گرفته در طبقه متوسط و هویت اعضای آن یاری می‌رساند. به بیان دیگر، مطالعه حاضر، تحولات هویتی اعضای این طبقه را در دو دهه اخیر مورد پژوهش قرار خواهد داد و به تحلیل و بررسی آن خواهد پرداخت. در پژوهش حاضر، بر اساس پاسخ‌های دریافت شده از متخصصان علوم اجتماعی، ابعاد مشخصی از مفهوم هویت بررسی می‌شوند که عبارت‌اند از هویت فردی و جمعی، هویت دینی و غیردینی، هویت ملی و جهانی و هویت سیاسی. پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ویژگی‌های هویت اعضای طبقه متوسط در شهر تهران در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۸۰ کدام است؟ تحولات صورت گرفته در خصوصیات هویتی اعضای این طبقه در بازه زمانی ذکر شده چه بوده است؟

پیشینه پژوهش

الف) مطالعات پژوهشی

در سال‌های اخیر پژوهش‌های مختلفی در مورد طبقه متوسط در جامعه ایران انجام شده است. برخی از این تحقیقات به طبقه متوسط در دوران پهلوی پرداخته‌اند و برخی این طبقه را در سال‌های پس از انقلاب بررسی کرده‌اند. از جمله کتب منتشر شده در این زمینه می‌توان به کتاب «طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۸۰)» اثر محمدحسین بحرانی (۱۳۸۸) و کتاب «تحول و جایگاه طبقه متوسط در ایران معاصر» اثر عطاءالله مقدم فر (۱۳۹۷)، اشاره کرد. همچنین مقالات گوناگونی در مورد طبقه متوسط در ایران منتشر شده‌اند که برخی از آن‌ها به تحولات این طبقه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ اختصاص دارند. عناوین مهم‌ترین این مقالات که اغلب آن‌ها با تحولات هویت سیاسی اعضای طبقه متوسط در ارتباط‌اند عبارت است از: «تعارضات ایدئولوژیک طبقه متوسط جدید پس از انقلاب اسلامی» اثر حیدر شهریاری (۱۴۰۰)، «طبقه متوسط جدید و گذار به دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران» اثر عسکری پور، کریمی مله، توسلی رکن‌آبادی (۱۳۹۹)، «اثر بخشی طبقه متوسط جدید در تحقق مشارکت انتخاباتی در ایران (۱۳۷۶-۱۳۹۶)» از خرمشاد و کرد (۱۳۹۸)، «نقش طبقه متوسط جدید در توسعه سیاسی ایران

پس از انقلاب با تأکید بر مؤلفه مشارکت سیاسی» از شمس‌الدین نژاد، ازغندی و طاهری (۱۳۹۸)، «تحولات و چالش‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران» از علی جان مرادی جو و دیگران (۱۳۹۸)، «طبقه متوسط جدید و توسعه حوزه عمومی در ایران (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴)» از مایلی و خانجانی (۱۳۹۷)، «رویکرد دولت به طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۸۴)» اثر مجیدی و رستم پور (۱۳۹۶)، «هدفمندسازی یارانه‌ها و تأثیر آن بر طبقه متوسط جدید» از فریبا مسعودی (۱۳۹۴)، «ایستار ذهنی طبقه متوسط جدید و نقش آن در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران» از ازغندی و حسام قاضی (۱۳۹۲)، «طبقه متوسط جدید و تأثیرات آن در دوره پس از انقلاب اسلامی» از غلامرضا عراقی (۱۳۸۶).

همچنین، در بین پژوهش‌های انجام‌شده موضوعات گوناگونی برجسته شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به بررسی سبک زندگی و هویت اعضای طبقه متوسط اشاره کرد. برخی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به بررسی هویت اعضای طبقه متوسط پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

«تأثیر مگامال‌ها بر هویت محله‌ای در شهر تهران مطالعه موردی: اطلس مال نیاوران» از شیعه و حاجیانی (۱۳۹۸)، «سیری بر هویت طبقه متوسط جدید طی سه دهه بعد از انقلاب ایران» از علیرضا ازغندی و روزان حسام قاضی (۱۳۹۷)، «سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان» از محمدتقی شیخی، مریم ایمانی و راضیه ایمانی (۱۳۹۵).

ب) پیمایش‌های ملی

از سوی دیگر مرور یافته‌های پیمایش‌های ملی مختلف در مورد هویت ایرانیان می‌تواند دربرگیرنده اطلاعات ارزشمندی باشد. بر اساس یافته‌های موج دوم پیمایش ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۳۸۲، در بعد هویت دینی، ۲۹/۲ درصد پاسخگویان خود را به میزان زیاد مذهبی می‌دانستند، ۵۹ درصد تا حدودی خود را مذهبی می‌دانستند و ۱۱/۸ درصد به میزان کم خود را مذهبی می‌دانستند. همچنین، ۶۹/۵ درصد پاسخگویان گفته‌اند که در طول یک سال گذشته در اکثر اوقات نمازشان را مرتب خوانده‌اند، ۱۷/۶ درصد آن‌ها گفته‌اند که گاهی اوقات نمازشان را مرتب خوانده‌اند و ۱۲/۸ درصد اظهار داشته‌اند که به ندرت نمازشان را مرتب خوانده‌اند. در بعد هویت ملی ۸۹/۵ درصد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کردند. در بعد هویت سیاسی و در مورد شرکت در انتخابات، ۵۷/۹ درصد پاسخگویان به احتمال زیاد در انتخابات آینده ریاست جمهوری شرکت خواهند کرد، ۱۸ درصد تا حدودی احتمال

می‌دهند که شرکت کنند و ۲۴/۱ درصد احتمال کمی دارد که شرکت کنند.

بر اساس یافته‌های موج سوم پیمایش ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۳۹۴، در بعد هویت دینی، ۵۸/۵ درصد پاسخگویان گفته‌اند که همیشه نماز می‌خوانند، ۲۰ درصد اکثر اوقات نماز می‌خوانند، ۱۳ درصد گاهی نماز می‌خوانند، ۵/۳ درصد به ندرت نماز می‌خوانند و ۳/۱ درصد هیچ وقت نماز نمی‌خوانند. در بعد هویت ملی ۸۶/۴ درصد پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد به ایرانی بودن افتخار می‌کردند. در بعد هویت سیاسی و در مورد شرکت در انتخابات ۷۹/۴ درصد پاسخگویان در انتخابات آینده ریاست جمهوری شرکت خواهند کرد و ۱۳/۵ درصد پاسخگویان نیز اعلام کردند که در این انتخابات شرکت نخواهند کرد.

بر اساس یافته‌های موج چهارم پیمایش ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۴۰۲، در بعد هویت دینی ۴۲/۶ درصد پاسخگویان خود را به میزان زیاد و خیلی زیاد مذهبی می‌دانند ۱۰/۱ درصد اصلاً خودشان را مذهبی نمی‌دانند ۲۴/۱ درصد به میزان کم و ۲۳/۲ درصد به میزان متوسط خود را مذهبی می‌دانند. همچنین، ۴۵/۵ درصد پاسخگویان عنوان کردند که همیشه نماز می‌خوانند، ۹/۳ درصد اکثر اوقات، ۱۳/۳ گاهی اوقات، ۹/۷ درصد به ندرت و ۲۲/۲ درصد افراد هیچ وقت نماز نمی‌خوانند. در بعد هویت ملی، ۸۳ درصد پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. در بعد هویت سیاسی و در مورد شرکت در انتخابات، ۴۳ درصد پاسخگویان در انتخابات ریاست جمهوری آتی شرکت خواهند کرد و ۴۲/۴ درصد نیز اعلام کردند که در این انتخابات شرکت نمی‌کنند.

همچنین در پیمایش‌هایی مانند «سنجش سرمایه اجتماعی کشور» (موج اول، ۱۳۸۶، موج دوم ۱۳۹۴ و موج سوم ۱۳۹۷)، «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۴) و «مصرف کالاهای فرهنگی» (موج اول ۱۳۸۲ و موج دوم ۱۳۹۸) در مورد برخی از ابعاد هویت ایرانیان داده‌هایی به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه بر اساس یافته‌های موج دوم پیمایش «سنجش سرمایه اجتماعی کشور» ۷۵/۵ درصد پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. این میزان در پیمایش «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۴)، ۸۲/۴ درصد است.

به نوری که مشاهده می‌شود ابعاد مختلف هویت در پژوهش‌ها و پیمایش‌های ذکر شده مورد توجه قرار گرفته است. باین حال هیچ کدام از تحقیقات فوق به نحو مشخص به توصیف و تحلیل ابعاد و خصوصیات هویت اعضای طبقه متوسط در شهر تهران

پرداخته‌اند ضمن آنکه از لحاظ زمانی نیز بر دهه‌های ۸۰ و ۹۰ تمرکز نکرده‌اند. در نتیجه پژوهش حاضر امیدوار است بتواند ضمن استفاده از یافته‌های تحقیقات ذکر شده با تحلیل و تفسیر داده‌ها و اطلاعات مرتبط به اهداف مشخص خود دست یابد.

مبانی نظری پژوهش

طبقات اجتماعی یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی جامعه‌شناسان است و در این زمینه رویکردهای مختلفی مانند رویکردهای مارکسیستی، رویکردهای مبتنی بر کارکردگرایی و رویکردهای مبتنی بر رابطه‌گرایی به چشم می‌خورند. از آنجا که رویکردهای مارکسیستی و رویکردهای مبتنی بر کارکردگرایی طبقه را تنها بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی مشخص می‌کنند و نقش مؤلفه‌های فرهنگی در تعریف طبقه را کم‌اهمیت می‌دانند (رایت و همکاران، ۱۳۹۵) در پژوهش حاضر، انتخاب رویکردهای مبتنی بر رابطه‌گرایی که در تعریف و تحدید طبقه هر دو بعد سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی را در نظر می‌گیرند از اولویت برخوردار است. از میان نظریه‌های مبتنی بر رابطه‌گرایی نیز از آنجا که به نظر می‌رسد پی‌یر بوردیو دیدگاه‌های خود را در قالب دستگاه نظری جامع‌تر و منسجم‌تری ارائه داده است و در آثار مختلف خویش و از جمله در «تمایز» به نحو تفصیلی به تحلیل طبقات اجتماعی پرداخته است (بوردیو، ۱۳۹۰) در پژوهش حاضر استفاده از رویکرد او ارجح دانسته می‌شود.

بوردیو با استفاده از مفاهیم میدان^۱، منش^۲ و سرمایه^۳ دیدگاه خویش را طرح می‌کند. میدان به عنوان شبکه روابط عینی موقعیت‌های مشخص در نظر گرفته می‌شود (Jenkins, 1996: 85). منش تصویری از «ارکستر بی‌رهبر^۴» را پیشنهاد می‌کند تا بر منظم بودن، یک دست بودن و نظام‌دار بودن اعمال بدون هماهنگی آگاهانه تأکید کند (Swartz, 1997: 105). سرمایه، منبعی ارزشمند است و به چهار نوع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین تقسیم می‌شود (Turner, 1998: 512).

از نظر او میدان طبقات اجتماعی وسیع‌ترین میدان است و میدان‌های دیگر و کنشگران مختلف متناسب با سرمایه‌ها و منش خویش در درون این میدان قرار می‌گیرند. طبقات از یک منظر عینی، گروه‌بندی‌هایی از افراد هستند که از طریق اولویت‌بندی، شبیه و یا نزدیک به هم هستند و جایگاه‌هایی را اشغال می‌کنند، اما

1. Field

2. Habitus

3. Capital

4. Conductorless Orchestration

جدا از اشغال جایگاه‌های مشترک که به نحو عینی در نظر گرفته می‌شود، افراد باید به یک شناخت جمعی از هویت خود، به‌عنوان عامل تمایز از سایر گروه‌ها و طبقات نیز دست یابند تا بتوانند به‌عنوان طبقه اجتماعی شناخته و پذیرفته شوند و همچنین از یک منش مشترک برخوردار باشند (Jenkins, 1996: 88).

از دیدگاه بورديو، با در نظر گرفتن ترکیب سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی، طبقات بالا، متوسط و پایین از هم متمایز می‌شوند و با توجه به تفکیک این سرمایه‌ها، طبقات ذکر شده به نحو درونی بر اساس توزیع نابرابر سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی به پاره طبقات مختلف تقسیم می‌گردند. در این راستا، هر کدام از طبقات خود به سه خرده طبقه تقسیم می‌شوند و به عنوان نمونه می‌توان از طبقه متوسط بالا، طبقه متوسط متوسط و طبقه متوسط پایین نام برد (Turner, 1998: 513).

از دید بورديو همه جمع‌های اجتماعی [از جمله طبقات اجتماعی] سازه‌هایی تاریخی‌اند و جامعه‌شناسان برای شناخت کامل آن‌ها گزینه‌ای ندارند جز اینکه دست به بازسازی آن کار تاریخی بزنند که تقسیم‌بندی‌های اجتماعی را به بار آورده است، تقسیم‌بندی‌هایی که از رهگذر آن‌ها جمع‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند (رایت و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۹). به بیان دیگر، طبقات اجتماعی را می‌توان چمدان‌های تاریخی ذخیره‌شده و انباشتی از امتیازات در طول زمان دانست (Savage, 2015: 41). از آنجاکه ما با موقوفات، ظرفیت‌ها و منابع متفاوتی به زندگی اجتماعی پای می‌گذاریم، طبقات را می‌توان به‌عنوان برساخت‌هایی تاریخی در نظر گرفت (Savage, 2015: 43).

از سوی دیگر، متناسب با رویکرد رابطه‌گرای پژوهش حاضر، می‌توان در مورد تحلیل ابعاد مختلف هویت از نظریات آنتونی گیدنز استفاده نمود. بر این اساس، هویت مفهومی اجتماعی است که در فرایند تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت مشخص‌کننده تشابهات و تفاوت‌ها در تعامل اجتماعی است. هویت فردی به‌ویژه در جوامع مدرن باعث می‌شود انسان احساس کند از دیگران کاملاً متفاوت و منحصر به فرد است. در برابر هویت جمعی بیانگر تشابهات فرد با دیگران است درجایی که فرد خود را متعلق به گروه یا طبقه اجتماعی می‌داند (گیدنز، ۱۳۹۶: ۴۱۶).

از نظر گیدنز، انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست؛ بلکه یک پدیده پویا، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱). گیدنز در راستای نظریه ساختاریابی خود بر این عقیده است که هویت انسان‌ها ساخته می‌شود

نه اینکه به آن‌ها داده شود. ساخت خود یک طرح بازاندیشانه است که بخشی اساسی از بازاندیشی مدرنیته را می‌سازد. یک فرد باید از میان راهبردها و گزینه‌هایی که نظام‌های انتزاعی فراهم می‌کنند هویتش را پیدا کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، در مرحله نخست به منظور تشخیص و تحدید مفهوم طبقه متوسط و پاره طبقات آن (متوسط پایین، متوسط متوسط و متوسط بالا) در شهر تهران امروز و تشخیص شاخص‌های ابعاد هویت طبقه متوسط با بیش از ۲۰ نفر از متخصصان علوم اجتماعی صاحب‌نظر در حوزه طبقات اجتماعی و هویت از طریق ایمیل مکاتبه شد و پاسخ‌های آن‌ها در موارد ذکر شده مورد توجه و بررسی قرار گرفت. بر این اساس، شاخص‌های شغل، درآمد و تحصیلات (بر اساس توزیع سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی مورد نظر پی‌یر بوردیو) به عنوان شاخص‌های تفکیک طبقات و پاره طبقات در نظر گرفته شد و طبقه متوسط در شهر تهران بر مبنای شاخص‌های فوق به سه پاره طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم شد. همچنین، بررسی ابعاد هویت شامل هویت فردی و جمعی، هویت دینی و غیردینی، هویت ملی و جهانی و هویت سیاسی در دستور کار قرار گرفت.

در مرحله بعد، با استفاده از روش‌های سرگذشت پژوهی^۱ و مصاحبه گروهی^۲ و با توجه به ابعاد هویت تشخیص داده شده، با اعضای طبقه متوسط در شهر تهران مصاحبه شد. سپس، به منظور تحلیل و تفسیر داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های روایی و متمرکز از روش تحلیل محتوی کیفی استفاده شد. در این راستا داده‌های جمع‌آوری شده تلخیص، کدگذاری، مقوله‌بندی و تحلیل شدند (فلیک، ۱۳۹۱: ۳۴۷). در هنگام استفاده از روش سرگذشت پژوهی، مصاحبه‌ها از نوع مصاحبه روایی، عمیق و نیمه ساختاریافته و نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری است (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۳۸) و مصاحبه‌ها تا حصول اشباع نظری ادامه یافتند. بر این اساس، در پژوهش حاضر در مجموع با ۱۰ نفر از اعضای طبقه متوسط ساکن در شهر تهران در قالب روش سرگذشت پژوهی مصاحبه شد. همچنین با ۵ نفر از اعضای طبقه متوسط ساکن در شهر تهران در قالب یک گروه متمرکز مصاحبه شد. آن‌ها با یکدیگر به بحث و گفتگو پرداختند و ضمن پاسخ به پرسش‌های مصاحبه‌کننده نظرات یکدیگر را تکمیل

1. Life history

2. Focus group

یا نقد کردند. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	متوسط درآمد ماهیانه	تأهل/ فرزند	پاره طبقه
۱	مهدی	۴۱	مرد	دکتری	هیئت‌علمی	۲۵ میلیون	مجرد	طبقه متوسط پایین
۲	فرهاد	۴۰	مرد	کارشناسی ارشد	مدیر و معلم مدرسه	۴۰ میلیون	مجرد	طبقه متوسط متوسط
۳	فرید	۴۵	مرد	دکتری	مدیر فرهنگی دانشگاه	۵۰ میلیون	متأهل/ یک	طبقه متوسط متوسط
۴	نوید	۳۹	مرد	کارشناسی	کارمند شرکت	۷۰ میلیون	مجرد	طبقه متوسط بالا
۵	هانا	۳۷	زن	کارشناسی ارشد	مدیر منابع انسانی شرکت خصوصی	۸۰ میلیون	متأهل/ صفر	طبقه متوسط بالا
۶	هیوا	۴۲	زن	کارشناسی ارشد	مدیر سازمان هواپیمایی	۸۰ میلیون	متأهل/ دو	طبقه متوسط بالا
۷	محمود	۷۸	مرد	کارشناسی ارشد	مدرس و مهندس راه و ساختمان	۴۰ میلیون	متأهل/ سه	طبقه متوسط متوسط
۸	لعیا	۴۶	زن	دکتری	پزشک	۸۰ میلیون	متأهل/ دو	طبقه متوسط بالا
۹	شهبلا	۴۲	زن	دکتری	مدیر شرکت/ خانه‌دار	۷۰ میلیون (درآمد همسر)	متأهل/ دو	طبقه متوسط بالا
۱۰	سمیه	۳۹	زن	کارشناسی	خانه‌دار	۶۰ میلیون (درآمد همسر)	متأهل/ دو	طبقه متوسط متوسط
۱۱	پیام	۴۰	مرد	کارشناسی	فروشنده/ واردات و صادرات	۱۱۰ میلیون	مجرد	طبقه متوسط بالا

ردیف	نام	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	متوسط درآمد ماهیانه	تأهل/ فرزند	پاره طبقه
۱۲	لیلا	۳۵	زن	کارشناسی	حسابدار	۵۰ میلیون	مجرد	طبقه متوسط
۱۳	نوا	۳۶	زن	کارشناسی	کارمند شرکت	۲۵ میلیون	مجرد	طبقه متوسط پایین
۱۴	سایه	۳۷	زن	کارشناسی	مربی کودکان	۲۰ میلیون	متأهل/ یک	طبقه متوسط پایین
۱۵	شهاب	۵۳	مرد	کارشناسی ارشد	معمار	۳۵ میلیون	مجرد	طبقه متوسط

یافته‌های پژوهش

بر اساس مصاحبه‌های روایی و متمرکز انجام‌شده با افراد و با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی می‌توان به کدگذاری و تشخیص مفاهیم و مقولات اصلی پرداخت و با توجه به آن‌ها الگوهای موجود را تشخیص داد. مقولات اصلی پژوهش حاضر در جدول زیر ارائه شده‌اند و در ادامه یافته‌های پژوهش بر مبنای آن‌ها تشریح شده است.

جدول ۲. مقولات اصلی تحقیق

روابط دوستی	عضویت در گروه‌ها	روابط خانوادگی	شرکت در آیین‌های اجتماعی	اعتقادات و مناسک دینی	شرکت در مناسک جمعی دینی
ایرانی بودن و جهانی بودن	مشارکت در انتخابات	مشارکت در جنبش‌های اجتماعی	میزان تأثیرگذاری اجتماعی	درآمد/ مالکیت/ قدرت خرید	تحصیلات
وضعیت تأهل	فرزندآوری	جنسیت	سن		

کاهش روابط دوستانه

روایت‌های اغلب مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که تعداد دوستان و میزان روابط دوستانه آن‌ها در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بیش از سال‌های اخیر بوده است. از جمله دلایل کاهش دوستان و روابط دوستانه فرد در مقایسه با سال‌های دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ که در روایت‌های مصاحبه‌شوندگان تکرار شده است مهاجرت دوستان قدیمی آن‌ها

به کشورهای خارجی یا شهرهای دیگر ایران، مسائل اقتصادی و عدم تمایل ذهنی و شخصیتی افراد به گسترش شبکه روابط اجتماعی جدید است.

فرید: «دوره‌می‌ها هم به نسبت قبل کمتر شدن. تلاش می‌کنیم برایش اما دوست‌ها کمتر شدن، تو سن دوست‌یابی آن‌چنان نیستیم. سبک زندگی‌ها عوض شده. گاهی هم یکی رو دعوت می‌کنی خونت اما می‌بینی اون دعوت نکرد دیگه متوجه میشی که همیشه. به بخش زیادیش هم مسئله اقتصادی هست».

هیوا: «تو دهه ۸۰ چیزای مشترکی که با دوستانم داشتم بیشتر بود یعنی فعالیت مشترکمون. بیشتر همدیگه رو می‌دیدیم، بیشتر با هم بیرون می‌رفتیم، بیشتر با هم تایم می‌گذروندیم؛ اما کلاً رفت‌وآمد با دوستان خیلی کمتر شده. چون اصلاً به سری از دوستانم رفتن از ایران. مثلاً ما خودمون به اکپ ۴ یا ۵ نفره بودیم از دوستای دانشگاه که الان ۲ نفرمون موندن. از ۷ نفرمون ۲ نفر موندن. به نظر هم مهاجرت مؤثر بوده و هم فضای مجازی، انگار وقتی از هم خبر می‌گیریم دیگه احساس نیاز نمی‌کنیم که ببینیم همدیگه رو. این اپلیکیشن‌ها به جوری تنبلی و کرختی هم ایجاد کرده».

محمود: «دوستان می‌تونیم بگیریم دو دسته‌ان. یکی دوستانی هستن که به خاطر مسائل کاری و اقتصادی با ما رابطه دارن خوب حالا با هم هستیم و ممکنه نهار هم بخوریم؛ اما موضوع اینه که اون مسئله رو حل کنیم و اون ساختمونه رو بسازیم. ولی بعد از این که کار تموم میشه دوستای خیلی کمی می‌مونه که اینا آدم رو به خاطر خودمون می‌خوان نه به خاطر اون پروژه. به گروه دیگه هم که آدم رو به خاطر نفس دوستی می‌خوان نه به خاطر مناسبت. اینا خوب کم شده چون بعضی‌ها رفتن خارج، بعضی‌ها فوت کردن و بیست سال پیش تعداد اینا بیشتر بود».

عدم عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها

در همین راستا، روایت‌های اغلب مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که آن‌ها در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بیش از سال‌های اخیر در گروه‌ها یا تشکل‌های اجتماعی عضویت داشته‌اند. مصاحبه‌شوندگان غالباً در دوران دانشجویی در انجمن‌های علمی، ورزشی، فوق برنامه و ... عضو بوده‌اند. همچنین برخی از آن‌ها در گروه‌های کتاب‌خوانی و فرهنگی عضویت داشته‌اند اما هر چه در طول این دو دهه به پیش می‌آییم از میزان عضویت آن‌ها در چنین گروه‌ها یا انجمن‌هایی کاسته شده است.

فرهاد: «قبلاً تو گروه‌های متنوعی عضو بودم تو زمینه‌هایی که علاقه داشتم. از کوه و طبیعت و محیط‌زیست گرفته تا حلقه‌های کتاب‌خوانی مثلاً. الان واقعاً کمتر شده. دور و اطرافم هم هست اما من اینرسی دارم. مشغله کاری و حرفه‌ایم هم بیشتر شده و زمانی که برای خودم می‌مونه ترجیح می‌دم برایش برنامه‌ریزی کنم؛ برنامه ورزشی، تفریحی یا حتی فرهنگی».

مهدی: «تو دوره دانشجویی دبیر شورای صنفی بودم و فعالیت صنفی داشتم. دوره ارشد عضو انجمن علمی بودم و اونجا زیاد فعالیت داشتم. گاهی سراغ فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌رفتم. مثلاً نشریه زدن، اردو رفتن، اردو بردن و ... اما بعد از دوره دانشجویی عضو هیچ تشکلی نشدم».

هیوا: «تو دهه ۸۰ علاقه و تمایل بیشتری به کارهای دانشجویی و عضویت تو گروه‌ها داشتم؛ اما احساس می‌کنم که آگه همون شرایط و همون وقت آزاد رو داشته باشم شاید الان دیگه کمتر حوصله‌اش رو داشته باشم. اون موقع فکر می‌کردم از توی اینا یه چیزی درمی‌آد. احساس می‌کنم امیدم نسبت به این چیزا کمتر شده».

تضعیف روابط خانوادگی

بر اساس روایت‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت به نحو کلی روابط خانوادگی آن‌ها در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ بیشتر از اواخر این دهه و امروز بوده است. بر این اساس، اکنون روابط افراد با اعضای درجه یک خانواده مانند پدر و مادر تا حدودی کمتر شده اما همچنان به نحو قابل توجهی ادامه دارد. در برابر، هنگامی که از روابط خانوادگی فرد با اقوام و فامیل دورتر او صحبت می‌شود، در اغلب موارد میزان این روابط به نحو چشمگیری کاهش یافته است. از جمله دلایل کاهش این روابط می‌توان به مشکلات اقتصادی و شیوع کرونا اشاره کرد.

محمود: «قبلاً به خاطر وضعیت اقتصادی بهتر، روابط خانوادگی بیشتر بود چون هر چی می‌آی جلوتر فشارهای اقتصادی بیشتر میشه. بالاخره مهمونی‌های خانوادگی پرخرج‌تر شده. شما الان حساب می‌کنی می‌بینی آگه بخوای ۱۰ نفر رو دعوت کنی و شام بدی باید حقوق یه ماهت رو بدی».

هانا: «تو خانواده ما ارتباط با دایی و عمه و خاله و اینا خیلی دوستانه است؛ و من تو سال‌هایی که ازدواج نکرده بودم با همه‌شون خیلی ارتباط دوستانه‌ای داشتم. اون موقع ارتباطمون در حد متوسط بود ولی ارتباط با کیفیت و خوبی

بود واقعاً. از زمانی که ازدواج کردم رابطه‌ام خیلی کم شده و بعد از کرونا خیلی کمتر شده و واقعاً می‌تونم بگم به صفر رسیدم».

محدود شدن مشارکت در آیین‌های اجتماعی

مشارکت در آیین‌های اجتماعی مانند آیین‌های عید دیدنی، عروسی و ترحیم یکی از مواردی است که می‌تواند بیانگر تغییرات رخ داده در روابط خانوادگی باشد. اغلب مصاحبه‌شوندگان برگزاری مراسم عید دیدنی در سال‌های اخیر را با برگزاری آیین مراسم در سال‌های دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ قابل مقایسه نمی‌دانند. به بیان دیگر، به گفته آن‌ها درحالی‌که درگذشته مراسم عید دیدنی شامل تعامل و ملاقات با تعداد زیادی از اقوام و آشنایان می‌شد و اغلب تا پایان تعطیلات ۱۳ روزه عید نوروز و حتی پس‌از آن ادامه می‌یافت در سال‌های اخیر این مراسم کاملاً محدود شده است و تنها شامل دید و بازدید با تعداد اندکی از نزدیکان و اقوام درجه یک می‌شود. در مورد برگزاری آیین عروسی نیز اغلب مصاحبه‌شوندگان به تعدد برگزاری این مراسم در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ در بین فامیل و اقوام خویش و حضور خود در آن‌ها اشاره می‌کنند. این در حالی است که به گفته آن‌ها برگزاری آیین مراسم در سال‌های اخیر به شدت محدود شده است به نحوی که اغلب آن‌ها به سختی می‌توانند به حضور خود در عروسی اقوام و آشنایان در چند سال اخیر اشاره کنند. در مورد دلایل محدود شدن آیین‌های عید دیدنی، عروسی و ترحیم اغلب مصاحبه‌شوندگان به مشکلات اقتصادی، درگذشت اقوام، مهاجرت و شیوع ویروس کرونا اشاره می‌کنند.

لیلا: «برای من، روابط خانوادگی به نسبت قبل از کرونا خیلی کمتر شده. قبلاً به برنامه خانوادگی داشتیم اما بعد از کرونا دیگه این برنامه‌ها برنگشت. آگه بخوام به نسبت ۲۰ سال پیش بگم که روابط خیلی کمتر شده. من خودم ۴ یا ۵ ساله که عید دیدنی نرفتم».

نوا: «قبلاً خیلی بیشتر با فامیل در ارتباط بودیم؛ اما مثلاً امسال عید، ما خونه هیچ کدوم از فامیل نرفتم. کلاً خیلی کمتر شده. به بخشی هم به خاطر مهاجرت. مثلاً تو فامیل ما از هر خانواده حداقل به بچه شون از ایران رفته. حالا اونایی که موندن یا سن‌هاشون به هم نمی‌خوره یا خیلی درگیرن. قبلاً آدم‌های فامیل برام جذاب‌تر بودن و می‌رفتم اما الان خیلی نمی‌رم این‌ور و اون‌ور. تعداد مهمونی‌هایی که گرفته میشه هم الان کمتر شده. ما خیلی از فامیل‌هامون دیگه عروسی هم نگرفتن. مراسم ختم هم الان خیلی خصوصی

و کم تعداد شده. مثلاً برای مراسم زن عمومی من فقط ۵ نفر از آدم‌های نزدیک آمده بودن. تعداد مراسم هم کمتر شده. یه مراسم می‌گیرد تموم میشه، می‌ره. مثلاً دیگه اینجوری نیست که سوم و هفتم بگیرن و هر کسی تو شمال، دوباره مسجد بگیره. مراسمی مثل پاگشا هم دیگه از مد افتاده».

تضعیف باورها و عمل به مناسک دینی

بر اساس روایت‌های مصاحبه‌شوندگان، اغلب آن‌ها خود را در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ نسبت به اواخر این دهه و امروز دین‌دارتر معرفی می‌کنند. اغلب مصاحبه‌شوندگان در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ از اعتقادات دینی قدرتمندی برخوردار بودند و مناسک دینی فردی مانند نماز خواندن و روزه گرفتن را انجام می‌دادند اما در سال‌های بعد به تدریج از میزان باورهای دینی و عمل به مناسک دینی در بین آن‌ها کاسته شده است.

پیام: «من نمی‌تونم بگم هیچ وقت مذهبی بودم. یه اعتقاداتی داشتم تو دهه ۸۰ اما در ده سال اخیر می‌تونم بگم اعتقادات مذهبی صفر شده؛ یعنی از یه آدم معتقد متوسط به یه صفر رسیدم. مثلاً حتی تا دوره دانشگاه روزه می‌گرفتم تا سال ۸۵. بعد دیگه نگرفتم».

شهاب: «من قبلاً شاید تا همون سال‌های ۸۴ یا ۸۵ نماز می‌خوندم و روزه می‌گرفتم؛ اما کم کم اینها کم شدن و الان خیلی وقته که نماز نخوندم و روزه نگرفتم».

هیوا: «اعتقادات که خیلی تغییر کرده. کلاً من حتی تو نسل پدر مادرمون هم دارم می‌بینم که این اتفاق افتاده. اونا که خیلی پایبند بودن به همه اصول و ما رو اینجور می‌دیدن که ما اعتقاداتمون ضعیف‌تره نسبت به اونا و اعمال دینی رو درست انجام نمی‌دیم و نماز نمی‌خونیم و اینا. من یادمه دهه ۸۰ یه جورایی حداقل تا سال ۸۶-۸۷ یادمه که نمازه رو می‌خوندم. حالا ممکن بود یه کم کج و کوله بخونم و یکیش رو نمی‌خوندم اون وسط و تنبلی می‌کردم توش ولی اینجوری هم نبود که اصلاً نخونم و به یه سری چیزها هم برای خودم اعتقاد داشتم و به خودم اجازه نمی‌دادم که به یه شخصی حتی یه چیز، اعتقادی تو دلم نداشته باشم. می‌ترسیدم ازش و یه جورایی حس بدی داشتم بهش اگه چیز بدی می‌گفتم یا حتی شک می‌کردم راجع این صحبتا؛ اما الان هیچی، یعنی خودم شخصا دیگه همه چی برام رفته زیر سؤال؛ یعنی از ازل تا ابدش برام رفته زیر سؤال».

لعیا: «من تو یه خانواده کاملاً مذهبی به دنیا آمدم و خانوادم بافتش مذهبی».

منم تقریباً اینطوری بودم. الان تو این سال‌های جدید تغییر کردم. البته من همیشه خیلی برام سؤال بود، خیلی می‌خوندم، دوست داشتم که این عقاید رو بازیابی کنم. الان تو این دو سال اخیر یه کمی عوض شدم دیگه به اون سفت و سختی قدیم نیستم. البته خیلی اهل اینکه برم تو مراسم عاشورا تاسوعا نبودم یا تو مراسم جمعی که شور جمعی داشته باشم! ولی خودم رعایت می‌کردم و مثلاً حجاب داشتم. ولی الان میزان رعایت مناسک فردیم هم کمتر شده».

کاهش مشارکت در مناسک دینی جمعی

در همین راستا، از میزان حضور افراد در مناسک دینی جمعی نیز کاسته شده و افراد در مقایسه با قبل در مراسمی مانند نماز جماعت کمتر شرکت می‌کنند.

مهدی: «اعتقادات دینی و رعایت مناسک دینیم نسبت به قبل کمتر شده. قبلاً تو مناسک جمعی دینی هم شرکت می‌کردم اما الان شرکت نمی‌کنم».

فرید: «باورها و ارزش‌های شخصی درونیم نسبت به خدا، اعتقاد داشتن به امام رضا، امام‌زاده صالح و ... افزایش پیدا کرده اما به شکل درونی جوری که بروزی نداشته و شاید کسی هم نفهمه. مثلاً با خدای خودم بیشتر خلوت می‌کنم و ... ولی اعتقادات اجتماعی و مناسک و نماز جماعت و ... کاهش پیدا کرده و خیلش حالت سمبولیک و شو مانند شده که درگذشته‌ها توشون شرکت می‌کردم اما الان دیگه تمایلی به شرکت در اونها ندارم. اگر برم به خاطر دل خودمه یعنی یه موقعی شاید فلان مراسم رو می‌رفتم که خودم رو نشون بدم یا خودم رو مذهبی جا بزنم الان دیگه دلیلی برای اون هم نمی‌بینم».

تأکید بر هویت ملی

اغلب مصاحبه‌شوندگان خود را یک ایرانی می‌دانند و بر هویت ایرانی خود پافشاری می‌کنند. روایت‌های مصاحبه‌شوندگان در این مورد نشان می‌دهد که اگرچه تعداد قابل توجهی از آن‌ها در مورد هویت جهانی خویش و در نظر گرفتن خود به‌عنوان یک فرد جهانی فکر کرده‌اند و حتی برخی از آن‌ها در برابر دوگانه هویت ایرانی/ هویت جهانی به چالش‌های فکری دچار شده‌اند اما در نهایت هویت ایرانی خود را در برابر انواع دیگر هویت‌ها غالب می‌دانند و خود را به‌عنوان یک فرد ایرانی تعریف می‌کنند که از زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ ویژه‌ای برخوردار است.

فرید: «بعد جهانی رو اصلاً نمی‌فهمم؛ یعنی به نظرم اکثر ما ایرانیا ارتباطی با هویت جهانی نداریم. ما یه هویت خیلی قوی ایرانی داریم که این هویت ایرانی لزوماً بار مثبت نداره و بار منفیش هم بیشتره. ما جایگاهی در مناسبات جهانی نداریم. به جای خاص خودمون هستیم. من هویتم رو کاملاً ایرانی می‌دونم، در حالی که ارتباطی با خارج نداریم».

نوید: «من قبلاً یه جاهایی مثل خیلی‌ها این حرف‌های جهان‌وطنی و اینکه مرزها چیزای بیهوده‌ای هستن و ... رو بهشون فکر کردم؛ اما در حال حاضر چه از نظر حس یعنی درونی و چه از نظر بیرونی یعنی کارکردی اعتقاد دارم برای اینکه ما آینده‌ای داشته باشیم نیازه که ما ایران‌گرا باشیم. اگه قرار ما کاری بکنیم چه دولت، چه مردم، همین حسه که می‌تونه به کار بیاد. این حس بین ایرانیا وجود داره و شدیداً مخالفم با کسی که بخواد ضد این حس عمل کنه؛ و شدیداً باور دارم کسایی که اینجوری فکر می‌کنن دارن از یه جایی شارژ می‌شن چون واقعیت نیست حرفشون و اگه بخواد کاری انجام بشه و اتفاقی بیفته و اگر مردم بخوان نظری داشته باشن شرطش اینه که دور یه چیزی جمع بشیم. من فکر می‌کنم هیچ مفهومی غنی‌تر و واقعی‌تر از وطن، از ایران وجود نداره. چه جغرافیا، چه زبانش، چه پرچمش. من فکر می‌کنم اینا ارزش‌هایی که وجود داره. هویت قومی هم به نظر من ذیل هویت ملی می‌تونه تعریف بشه، فقط همون پایین می‌تونه تعریف بشه».

هانا: «فکر می‌کنم جواب شیک قضیه اینه که من بگم که هویت جهانی برای خودم در نظر می‌گیرم اما راستش رو بخوای، صادقانه بگم، نه واقعاً. چون مثلاً الان یکی از ترس‌هام اینه که اگر قرار باشه که من خارج از کشور باشم شاید یه نگاه خارجی بهم بشه و این ناراحت‌کننده می‌کنه. بعد هم فکر می‌کنم واقعاً همه آدم‌ها این حس وطن‌گرایی رو دارن. اینجوری نیست که بگم من از ایرانی بودن خیلی خوشحالم، من افتخار می‌کنم به ایرانی بودن؛ اما مثلاً وقتی دارم یه مسابقه ورزشی بین تیم‌های ملی ایران و بقیه می‌بینم، حتی یه مسابقه بی‌ربط مثلاً کبدی، چوگان و غیره دوست دارم ایران برنده بشه».

محمود: «من خودم رو ایرانی می‌دونم. به نظرم جهان‌وطنی برای وقتی که ایدئولوژی‌ها از بین برن و صلح جهانی برقرار بشه؛ اما الان بزرگترین شخصیتی که مورد توجه‌ام هست کوروشه».

کاهش مشارکت سیاسی

روایت‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که اغلب آن‌ها تا سال ۱۳۹۶ در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اند البته برخی نیز آخرین سال حضور خود در این انتخابات را سال‌های ۱۳۸۸ یا ۱۳۹۲ اعلام می‌کنند. از این رو اغلب مصاحبه‌شوندگان در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در انتخابات ریاست جمهوری رأی داده‌اند در حالی که در انتخابات ۱۴۰۰ شرکت نکرده‌اند. آن‌ها رأی دادن در انتخابات دهه‌های ۸۰ و ۹۰ را عملی تأثیرگذار و معنی‌دار می‌دانستند در حالی که اکنون به انتخابات و رأی دادن معتقد نیستند و آن را کنشی بی‌معنی و بی‌فایده معرفی می‌کنند. در همین راستا، اغلب مصاحبه‌شوندگان با برخی جنبش‌های اجتماعی رخ داده در این دو دهه به‌ویژه جنبش اعتراضی سال ۱۳۸۸ همراهی داشتند. آن‌ها یا خود در راهپیمایی‌ها و اعتراضات خیابانی شرکت کرده‌اند یا با آن همراه بوده و به اشکال مختلف از آن حمایت کرده‌اند. البته این همراهی، همدلی و حمایت در مورد اعتراضات سال ۱۳۹۸ (پس از گران شدن بنزین) کمتر مصداق دارد:

نوید: «اولین چیزی که من از جنبش اجتماعی فهمیدم ۱۸ تیر ۷۸ بود. شرکتی توش نداشتم اما دنبال می‌کردم از طریق روزنامه‌ها. سال ۸۸ جنبشی بود که انگار برای نسل من بود. توی اون کمابیش بودم، چون تو انتخابات هم کمابیش فعال بودم و همون رو ادامه دادم. جنبش‌های بعدی رو فعال نبودم یعنی ۹۸ مثلاً و چون روی کسب‌وکاری که تو تهران داشتیم تأثیر می‌داشت، یه جورایی اگه بخوام صادقانه بگم، حتی نسبت بهش دیدگاه منفی داشتم. چون تأثیر منفی روی ما می‌داشت».

لیلا: «من تو دوره خاتمی که اوج سن سیاسی‌ایم بود و اوج تحولات سیاسی بود خیلی باهاش همراه بودم. روزنامه می‌خوندم و پیگیر بودم اما بعد از اون دیگه اصلاً نه! رای‌هایی که بعد از اون دادم هم همش به خاطر این بود که رقیبه نشه، نه اینکه کسی رأی بیاره. ۸۸ رأی دادم و به روحانی هم رأی دادم. دیگه بعد از خاتمی من مطمئن بودم که هیچ اتفاق خاصی نمی‌افته و هیچ تغییر یا اصلاحی ایجاد نمیشه».

لعیا: «اون موقع‌ها خیلی امیدوار بودیم ما دقیقاً تو همون سیستم دانشجویایی بودیم که امید داشتیم برای آقای خاتمی تبلیغ می‌کردیم. اون سال‌ها این‌طوری بود. بعد دوباره زمان موسوی خیلی سرخورده شدیم. باز زمان روحانی امید داشتیم، باز تبلیغ می‌کردیم می‌گفتیم باید بیاین. نمی‌دونم هنوز باز از هیچی

بهرته ولی الان واقعیت رو به جور دیگه می بینم و الان چندین دوره انتخابات هست که رأی ندادم. آخرین باری که رأی دادم سال ۹۶ بود. سال ۸۸ تو اعتراضات بودم و فکر می کردم که امکان ایجاد تغییرات اجتماعی هست. تو راهپیمایی سکوت بودم و خیلی امیدوار بودم، اما الان کاملاً ناامیدم».

احساس ناتوانی و کاهش اثربخشی اجتماعی

روایت های اغلب مصاحبه شونده‌گان بیانگر آن است که آن‌ها در هنگام مشارکت سیاسی و اجتماعی در شکل حضور در انتخابات یا جنبش های اجتماعی به تأثیرگذاری خود در تحولات اجتماعی باور داشته و به ایجاد تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امیدوار بوده‌اند. روایت های مصاحبه شونده‌گان نشان می دهد که در اغلب موارد شرکت در انتخابات موجب افزایش خوش بینی آن‌ها به حصول نتایج مثبت و بهبود شرایط اجتماعی شده است. همچنین آن‌ها در هنگام شرکت در جنبش اعتراضی سال ۸۸ به ایجاد تحولات دلخواه خویش امیدوار بوده‌اند. این در حالی است که اکنون اغلب آن‌ها اعتقاد خود را به تأثیرگذاری اجتماعی از طریق شرکت در انتخابات از دست داده‌اند و برخی از آن‌ها به حصول نتیجه از طریق شرکت در جنبش های اعتراضی نیز امیدوار نیستند. اکنون در مقایسه با سال های دهه های ۸۰ و ۹۰، امیدواری مصاحبه شونده‌گان به بهبود شرایط کاهش یافته و اغلب آن‌ها خود را در برابر واقعیت های سیاسی و اجتماعی ناتوان و بی قدرت می بینند تا آنجا که حتی اخبار سیاسی را هم دنبال نمی کنند.

نوا: «من خودم همیشه خیلی پایه نبودم که تو جنبش ها باشم یه زمانی پیگیری می کردم تو دوره دانشجویی. مثلاً این یک میلیون امضاء رو پیگیری می کردم. یه بارم تو یکی از تجمع هاشون رفتم. تو سال ۸۸ هم یه بار رفتم اما دیدم اینکاره نیستم و جلوی دانشگاه تهران کتک خوردم و یه داستانی پیش اومد که دیگه نرفتم و فهمیدم که اینکاره نیستم. تو انتخابات تا سال ۹۶ رأی دادم و اتفاقاً تو جمععات اون دوره هم رفتم بودم. تا یه جایی فکر می کردم که می توئم تأثیرگذار باشم اما از یه جایی به بعد احساس کردم که بازیچه‌ام و دیگه حتی رأی ندادم».

نوید: «سال ۸۸ یادمه که واقعاً ناراحت بودم از این قضیه و واقعاً امیدوار بودم که تغییر رو ایجاد کنیم. فکر می کردم واقعاً می توئم خیلی مؤثر باشیم و سعی می کردم مؤثر باشم اما این سعی کرده الان داره واقعاً کمتر میشه. الان فقط نگاه می کنم به قضیه که بتوئم خط و ربط قضیه رو پیدا کنم، حالتی شده که

بتونم تحلیل کنم و بتونم بفهمم اما تأثیرگذاری نه! نه تو خودم می‌بینم نه فکر می‌کنم خیلی واقعیه».

هانا: «فکر کنم کلمه ناامیدی اینجا خیلی درست نباشه، کلمه پذیرفتن شاید درست باشه. من پذیرفتم که مملکت وضعیته اینه. من تو به جایی دارم زندگی می‌کنم که همینه و راستش رو بخوای از اونجایی که به سری پادکست و اینا در مورد مثلاً تاریخ ایران و اینا گوش می‌دم، مربوط به دوره قاجار و صفویه و ... اینجوری ام که انگار تو این مملکت همیشه از این داستان‌ها بوده. حالا تو شانس بیاری به مقطع زندگی تو به برهه تاریخی خوب بوده یا نه تو به برهه نابودی بوده. واقعیت اینه که پذیرفتم که این مملکت همیشه این وضعیت رو داشته از اول. انگار قدرت پذیرشم بیشتر شده. البته تو دهه‌های ۸۰ و ۹۰ واقعاً اصلاً چنین تفکری رو نداشتم».

شهلا: «دیگه نه دنبال خبرم، نه کی اومد، نه کی رفت، کی زنده شد، کی مرد. دیگه اصلاً برام مهم نیست به این نتیجه رسیدم که اینا همش بازیه. به سری اون بالا حالا کین، کی نیستن، دارن برای خودشون مهره‌ها رو می‌چینن و ما رو به قول معروف قاطی بازی خودشون می‌خوان بکنن. بهتره که ولشون کنیم. من راستش ۹۲ رأی ندادم اما دیدم روحانی به کارهایی کرد، برجام اومده و به ذره سطح اقتصادی داشت بهتر می‌شد. گفتیم بریم بیاریمش دوباره بهتر شه که دوباره ۹۶ اومد و همه چیز خراب شد دوباره».

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت، در حالی که اغلب مصاحبه‌شوندگان در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ از هویت جمعی قابل توجهی برخوردار بودند با نزدیک شدن به اواخر دهه ۹۰ از بعد جمعی هویت آن‌ها کاسته شده و بعد فردی هویتشان تقویت شده است. عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های مختلف، روابط با دوستان و تعامل با اعضای خانواده و اقوام در دوره زمانی نخست و فقدان یا تضعیف چنین مشارکت یا روابطی در دوره زمانی دوم بازتابی از حرکت از بعد جمعی هویت به بعد فردی آن است. به بیان دیگر، در حالی که اغلب مصاحبه‌شوندگان در دوره نخست خود را به عنوان عضوی از یک یا چند تشکل یا انجمن دانشجویی، فرهنگی یا ورزشی و یا عضوی از یک گروه دوستی یا خانوادگی تعریف می‌کردند در اواخر دهه ۹۰ با تضعیف چنین پیوندهایی، هر چه بیشتر بر بعد فردی هویت خویش تأکید داشتند.

در همین راستا، یافته‌های موج دوم پیمایش ملی «سنجش سرمایه اجتماعی کشور» در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که اکثریت مطلق پاسخگویان در هیچ انجمن یا تشکلی عضویت ندارند. همچنین یافته‌های موج سوم پیمایش ملی مصرف کالاهای فرهنگی در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که ۷۰/۲ درصد پاسخگویان در هیچ نوع فعالیت اجتماعی یا تشکلی مشارکت و عضویت ندارند. همچنین ۲۴/۹ درصد آن‌ها با دوستان اصلاً رفت‌وآمد ندارند.

در بعد هویت دینی، اغلب مصاحبه‌شوندگان در ابتدای دهه ۸۰ از هویت دینی قدرتمندی برخوردار بودند و خود را به‌عنوان فردی دیندار یا مذهبی تعریف می‌کردند این در حالی است که با گذشت زمان از بعد دینی هویت آن‌ها کاسته شده است تا آنجا که تعداد قابل توجهی از آن‌ها در اواخر دهه ۸۰ و در سال‌های دهه ۹۰ خود را به عنوان فردی غیردیندار یا سکولار در نظر می‌گیرند. اظهارات اغلب مصاحبه‌شوندگان مبنی بر کاهش میزان عمل به مناسک دینی مانند نماز خواندن، در طول این دو دهه با داده‌های امواج دوم، سوم و چهارم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سطح ملی هم جهت است. بر اساس یافته‌های پیمایش ذکر شده درحالی که در سال‌های ۸۲، ۹۴ به ترتیب ۶۹/۵ درصد و ۷۸/۵ درصد پاسخگویان همیشه یا در اکثر اوقات نماز می‌خوانند این میزان در سال ۱۴۰۲ به ۵۴/۸ درصد پاسخگویان کاهش یافته است.

در بعد هویت ملی و قرار دادن آن در برابر هویت جهانی، به نحوی که ذکر شد اغلب افراد در طول این دو دهه و تا امروز بر هویت ملی خود پافشاری می‌کردند. آن‌ها خود را به‌عنوان یک ایرانی تعریف می‌کردند و آن را بر مشخص کردن خود به‌عنوان فردی جهانی ارجح می‌دانستند. همچنین آن‌ها هویت قومی خود را نیز در ذیل هویت ملی و در مرتبه‌ای بعد از آن در نظر می‌گیرند. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش با داده‌های امواج دوم، سوم و چهارم پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سطح ملی و همچنین یافته‌های پیمایش ملی «وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» و موج دوم پیمایش «سنجش سرمایه اجتماعی کشور» همخوانی دارد. یافته‌های پیمایش‌های ذکر شده نشان می‌دهد که در سال‌های ۸۲، ۹۴ و ۱۴۰۲ بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان به میزان زیاد و خیلی زیاد به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند.

در بعد هویت سیاسی، هیچ‌کدام از مصاحبه‌شوندگان خود را عضو حزب یا گروه سیاسی و یا طرفدار جدی آن‌ها نمی‌دانند. باوجوداین، اغلب مصاحبه‌شوندگان خود را در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ پیگیر اخبار سیاسی و اجتماعی، فعال، تأثیرگذار و طرفدار توسعه

و نوسازی کشور معرفی می‌کنند. آن‌ها به اشکال مختلف در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت می‌کنند و به تحولات اجتماعی حساس هستند. در برابر، بر اساس روایت اغلب مصاحبه‌شوندگان، آن‌ها در اواخر دهه ۹۰ از پیگیری اخبار سیاسی و اجتماعی دلزده شده‌اند، در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت نمی‌کنند، منفعل هستند و به نوعی از سیاست زده شده‌اند. نتایج مرتبط با بعد هویت سیاسی، به ویژه در مورد مشارکت در انتخابات با داده‌های امواج دوم، سوم و چهارم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سطح ملی هم‌راستا است. بر این اساس، در حالی که در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴ به ترتیب ۵۷/۹ درصد و ۷۹/۴ درصد پاسخگویان در انتخابات ریاست جمهوری آتی شرکت می‌کنند، این میزان در سال ۱۴۰۲ به ۴۳ درصد پاسخگویان تقلیل یافته است. لازم به ذکر است، اگرچه یافته‌های حاضر نشانگر افزایش نوعی فردگرایی، تضعیف پیوندهای جمعی و رواج نوعی دلزدگی از اخبار و موضوعات سیاسی در اواخر دهه ۹۰ است، اما نمی‌تواند تأییدکننده اظهارات برخی متفکران (به‌عنوان نمونه، ابادری، ۱۳۹۷، خویی، ۱۳۹۹) مبنی بر توصیف اعضای طبقه متوسط با ویژگی‌هایی مانند نفع طلب، خوش‌گذران، لذت طلب و خودمحمور باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در اواخر دهه ۹۰ مصاحبه‌شوندگان را نمی‌توان افرادی فعال و آماده مشارکت اجتماعی و سیاسی (آزاد و ثقفی، ۱۳۹۸) دانست. به نظر می‌رسد، عدم فعالیت و مشارکت آن‌ها در امور سیاسی و اجتماعی بیش از هر چیز ناشی از عدم مطلوبیت شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است که آن‌ها را نسبت به نتایج مشارکت پیشین خود و تغییر شرایط از راه‌های مرسوم مانند شرکت در انتخابات ناامید کرده است و ممکن است با تغییر زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و سیاسی به اشکال دیگری (مانند شرکت در اعتراضات یا جنبش‌های اجتماعی) تبدیل شود.

بررسی تغییرات و تحولات ابعاد مختلف هویت مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که هویت آن‌ها به‌عنوان اعضای طبقه متوسط جامعه، امری ثابت، مشخص، یگانه و تک منبعی نیست و آن‌ها از هویتی سیال، منعطف، چندگانه و چند منبعی برخوردارند. این موضوع یادآور دیدگاه‌های آنتونی گیدنز در مورد هویت است که آن را یک پدیده پویا، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱). به عنوان نمونه، در حالی که اغلب مصاحبه‌شوندگان در دهه ۸۰ از هویت دینی قدرتمندی برخوردار بودند و در دهه ۹۰ از بعد دینی هویت آن‌ها کاسته شده است، هویت بسیاری از آن‌ها در دهه ۹۰ را نمی‌توان کاملاً سکولار یا غیردینی دانست بلکه این بعد از

هویت آن‌ها را می‌توان با استفاده از اصطلاح «فردی شدن دین» (Fuchs & Rüpke, 2015) توضیح داد. در جریان این فرآیند، تجربیات و فعالیت‌های فرد از اهمیت بسیاری برخوردارند. افراد با ایده‌ها و نهادهای دینی تعامل می‌کنند، با اعمال و مناسک دینی درگیر می‌شوند، از بین گزینه‌های موجود انتخاب می‌کنند و دست به تصمیم‌گیری می‌زنند، به نحو انتقادی درباره وجود خویش، تجربیات، موقعیت‌ها و اعمالشان می‌اندیشند و اعمال و مناسک و ایده‌های جدید دینی را تدوین می‌کنند (همان: ۳۲۴). بر این اساس، بخش‌هایی از عقاید، باورها و مناسک دینی در مصاحبه‌شوندگان باقی‌مانده و حفظ شده است درحالی‌که بخش‌های دیگری از اعتقادات و مناسک تضعیف شده، از بین رفته یا به دست فراموشی سپرده شده است.

در مجموع، در پاسخ به پرسش نخست پژوهش حاضر مبنی بر شناسایی ویژگی‌های هویتی اعضای طبقه متوسط در شهر تهران در دوره زمانی ۱۴۰۰ - ۱۳۸۰ می‌توان دو دوره زمانی اصلی را تشخیص داد. بر این اساس، ویژگی‌های هویت اعضای طبقه متوسط در شهر تهران از ابتدای دهه ۸۰ تا اواسط دهه ۹۰ با خصوصیات هویت آن‌ها از اواسط دهه ۹۰ تا آخر این دهه متفاوت است. در بازه زمانی نخست، اعضای این طبقه از هویت جمعی قابل توجهی برخوردارند، در گروه‌های اجتماعی مختلف عضو هستند و روابط دوستانه و خانوادگی گسترده‌ای دارند. در بعد هویت دینی، اعضای طبقه متوسط به اصول و ارزش‌های دینی پایبندند و مناسک دینی را انجام می‌دهند. در بعد هویت سیاسی، آن‌ها در انتخابات شرکت می‌کنند، در جنبش‌های اجتماعی فعال‌اند و اخبار سیاسی را پیگیری می‌کنند. همچنین در بعد هویت ملی، آن‌ها خود را یک ایرانی می‌دانند و به هویت ملی خود افتخار می‌کنند. در بازه زمانی دوم، ابعاد جمعی، دینی و سیاسی هویت اعضای طبقه متوسط به سمت عدم عضویت در گروه‌ها و تشکل‌ها، کاهش روابط دوستانه و خانوادگی، اعتقادات غیردینی، فردی شدن دین، عدم مشارکت سیاسی و اجتماعی و بی‌توجهی به اخبار و وقایع سیاسی سوق یافته است. از این رو، در پاسخ به پرسش دوم این پژوهش می‌توان گفت، ابعاد جمعی، دینی و سیاسی هویت اعضای طبقه متوسط در شهر تهران در دوره زمانی نخست در مقایسه با دوره زمانی دوم از قدرت بیشتری برخوردار بوده است. این در حالی است که ابعاد هویتی ذکر شده در فاصله سال‌های میانی دهه ۹۰ تا پایان این دهه تضعیف شده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- آزاد ارمکی، تقی و مراد ثقفی (۱۳۹۸). سخنرانی در نشست طبقه متوسط در نظریه اجتماعی معاصر، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- اباذری یوسف (۱۳۹۷). سخنرانی در نشست بررسی انتقادی رابطه اقتصاد و فرهنگ، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ازغندی، علی‌رضا و روژان حسام قاضی (۱۳۹۷). سیری بر هویت طبقه متوسط جدید طی سه دهه بعد از انقلاب در ایران، سیاست پژوهی، ۵ (۱۰)، ۸۵-۱۲۱. QJPR.2003.1110.188/10.2783.4999
- ازغندی، علی‌رضا و حسام قاضی، روژان (۱۳۹۲). ایستار ذهنی طبقه متوسط جدید و نقش آن در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی، ۶ (۲۲)، ۲۹-۴۴.
- اشرف، احمد و بنو عزیزی (۱۳۸۸). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- افروغ، عماد (۱۴۰۲). هویت ایرانی درگذر تاریخ، تهران: انتشارات علم.
- بهداد، سهراب و فرهاد نعمانی (۱۳۸۹). سی سال جابه‌جایی طبقات اجتماعی در ایران، گفتگو، ۱۷-۵۳.
- بحرانی، محمدحسین (۱۳۸۸). طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۸۰-۱۳۲۰)، تهران: آگاه.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱). نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- تورن، آلن (۱۴۰۳). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی، ترجمه سلمان صادقی‌زاده، تهران: طرح نو.
- جان مرادی جو، علی، ازغندی، علیرضا و سیدمصطفی ابطحی (۱۳۹۸). چالش‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی، ۱۲ (۴۶)، ۴۱-۶۰.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- خرمشاد، محمدباقر، فاضل‌کرد (۱۳۹۸). اثربخشی طبقه متوسط جدید در تحقق مشارکت انتخاباتی در ایران (۱۳۷۶-۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲ (۲)، ۷۰۹-۱۰۲.
- خویی، مهدی (۱۳۹۹). تحلیل مصرف فرهنگی جامعه ایران در تحلیل مصرف رسانه‌ای، به کوشش خیام عزیزی مهر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شمس‌الدین نژاد، مجید، طاهری، ابوالقاسم و علیرضا ازغندی (۱۳۹۸). نقش طبقه متوسط جدید در توسعه سیاسی ایران پس از انقلاب با تأکید بر مؤلفه مشارکت سیاسی، مطالعات سیاسی، ۱۱ (۴۳)، ۲۳-۴۵.
- شهریاری، حیدر (۱۴۰۰). تعارضات ایدئولوژیک طبقه متوسط جدید پس از انقلاب اسلامی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۴ (۶۶)، ۱۳-۴۴. PIAJ.2021.220494.1030/10.29252
- شیخی، محمدتقی، ایمانی، مریم و راضیه ایمانی (۱۳۹۵). سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، تهران: انتشارات ماهواره.
- شیعه، اسماعیل، مهسا حاجبانی (۱۳۹۸). تأثیر مگامال‌ها بر هویت محله‌ای در شهر تهران مطالعه موردی: اطلس مال‌نیواران، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۹ (۳۶)، ۶۹-۷۹.

- رایت، الین اریک (۱۴۰۱). فهم طبقه، ترجمه محمدحسین بحرانی، تهران: آگاه.
- رایت، الین اریک و دیگران (۱۳۹۵). رویکردهایی به تحلیل طبقاتی، ترجمه یوسف صفاری، تهران: لاهیتا.
- رضایی، محمد (۱۳۹۹). مطالعات مصرف فرهنگی، تحلیلی از زیست فرهنگی دانشجویی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صداقت، پرویز (۱۴۰۰). بسط و قبض طبقه متوسط در ایران، در کاموری، نازلی (۱۴۰۰) در میانه، در حاشیه (مجموعه مقالات)، زمانه مدیا.
- عسکری پور، حبیب، کریمی مله، علی، مجید توسلی رکن آبادی (۱۳۹۹). طبقه متوسط جدید و گذار به دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران، سپهر سیاست، ۷ (۲۴)، ۱۰۱-۱۳۴. SEJ.2020.1893493.1228/10.22034
- عشایری، طاهیا؛ متی، ایوب؛ جهان پرور، طاهره و پرستو آقازاده (۱۴۰۳). مطالعه نقش رسانه و شبکه‌های اجتماعی در تغییرات هویت فرهنگی ایرانیان: مرور تاریخی-تجربی داده‌های ثانویه، فصلنامه ارتباط پژوهشی، ۳۱ (۱۱۸)، ۱۸۳-۲۱۳.
- عراقی، غلامرضا (۱۳۸۶). طبقه متوسط جدید و تأثیرات آن در دوره پس از انقلاب اسلامی، علوم سیاسی، ۳۸ (۲۰)، ۳۱-۵۰.
- فلیک، اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فولادیان، مجید، رضایی بحرآباد، حسن و محسن سوهانیان حقیقی (۱۳۹۹). بررسی تحولات هویت جوانان ایرانی (۱۳۵۳-۱۳۹۴)، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۱ (۴۹)، ۱۴۷-۱۷۹. 10.22083/JCCS.2019.126067.2392
- کاظمی، عباس، مسرت امیرابراهیمی (۱۴۰۰). مگامال‌ها و مجتمع‌های بزرگ تجاری در تهران، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- کاکویی دینکی، عیسی (۱۴۰۰). سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی، تهران: به اندیش.
- کرامپتون، رزماری (۱۳۹۸). طبقه و قشربندی اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، انتونی (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- گیدنز، انتونی (۱۳۸۵). تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- گیدنز، انتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- مالشویچ، سینیشا (۱۳۹۶). هویت به‌مثابه ایدئولوژی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- مایلی، محمدرضا و خانجانی، جهانبخش (۱۳۹۷). طبقه متوسط جدید و توسعه حوزه عمومی در ایران (۱۳۷۶-۱۳۸۴). سیاست، ۴۸ (۱)، ۱۲۳-۱۴۲. 10.22059/2018.208516.1006828
- مسعودی، فریبا (۱۳۹۴). هدمندسازی یارانه‌ها و تأثیر آن بر طبقه متوسط جدید، سیاست، ۲ (۵)، ۷۱-۸۸.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.
- مجیدی، حسن و محمد رستم‌پور (۱۳۹۶). رویکرد دولت به طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)، مطالعات منافع ملی، ۸ (۳۰)، ۷۹-۱۰۳.

مقدم‌فر، عطاالله (۱۳۹۷). تحول و جایگاه طبقه متوسط در ایران معاصر، تهران: آریابان.

نیکفر، محمدرضا (۱۴۰۰). طبقه متوسط و لایه‌های فقیر آن، در کاموری، نازلی (۱۴۰۰) در میانه، در حاشیه (مجموعه مقالات)، زمانه مدیا.

Abazari, Y. (2018). Lecture at the conference "Critical Review of the Relationship between Economy and Culture". Tehran: the research center for Culture, Art and Communication. [in Persian]

Afroogh, E. (2023). Iranian identity through history. Tehran: Elm Publications. [in Persian]

Anderson, Claire & Kirkpatrick, Susan (2015) Narrative Interviewing, Int J Clin Pharm. Springer. 10.1007/s11096-015-0222-0

Ashraf, A., & Azizi, B. (2009). Social classes, state, and revolution in Iran. Translated by S. Torabi Farsani. Tehran: Neyloofar. [in Persian]

Ashayeri, T., Menati, A., Jahanparvar, T., & Aqazadeh, P. (2024). Examining the Role of Media and Social Networks on Changes in the Cultural Identity of Iranians: A Historical-Empirical Review of Secondary Data. Communication Research, 31(118), 183–213. [in Persian]

Askari Pour, H., Karimi Mala, A., & Tavasoli Rokn Abadi, M. (2020). The new middle class and the transition to democracy in the Islamic Republic of Iran. Sepehr-e Siyasat, 7(24), 101–134. [in Persian]. <https://doi.org/10.22034/SEJ.2020.1893493.1228>

Araqi, G. R. (2007). The new middle class and its impacts in the post-revolution period. Political Sciences, 38(20), 31–50. [in Persian]

Azad Armaki, T., & Saghafi, M. (2019). Lecture at the conference "The Middle Class in Contemporary Social Theory". Tehran: the research center for Culture, Art and Communication. [in Persian]

Azghandi, A. R., & Ghazi, R. H. (2013). The New Middle Class Perspective and its Role in the Political Development of Iran. Political Studies, 6(22), 29–44. [in Persian]

Azghandi, A. R., & Ghazi, R. H. (2018). A Study on the Identity of the New Middle Class in Iran in Last three Decades Since the Islamic Revolution, 5(10), 85–121. [in Persian] <https://doi.org/10.2783.4999/QJPR.2003.1110.188>

Bahrani, M. H. (2009). The middle class and political developments in contemporary Iran (1941–2001). Tehran: Agah Publications. [in Persian]

Behdad, S., & No'mani, F. (2010). Thirty years of class mobility in Iran. Goftogu, 1, 17–53. [in Persian]

Bourdieu, P. (2011). Distinction: A social critique of the judgment of taste. Translated by H. Chavoshian. Tehran: Sales Publications. [in Persian]

Bourdieu, P. (2002). Theory of practice. Translated by M. Mardiha, Tehran: Nashr-e Naghshe o Negar. [in Persian]

Bourdieu, Pierre (1996) The State Nobility, Translated by Laurttac Clough. Oxford: Polity Press.

Bourdieu, Pierre (1984) Distinction, a Social Critique of Judgment of Taste, Translated by Richard Nice, London: Routledge & Keagen Paul.

- Crompton, R. (2019). *Class and social stratification*. Translated by H. Naeebi, Trans. Tehran: Ney Publishing. **[in Persian]**
- Faraday, A. & Plummer, K. (1979) *Doing life histories*, *Sociological review*, 27 (4), 773-798. <https://doi.org/10.1111/j.1467-954X.1979.tb00360.x>
- Flick, U. (2012). *An introduction to qualitative research*. Translated by H. Jalili, Trans. Tehran: Ney Publishing. **[in Persian]**
- Fouladiyan, M., Rezaebahrad, H., & Sohanianhaghighi, M. (2020). *Studying the Evolution of Iranian Youth Identity (1974–2015)*. *Culture-Communication Studies Quarterly*, 21(49), 147–179. **[in Persian]**. <https://doi.org/10.22083/JCCS.2019.126067.2392>
- Fuchs, Martin & Rüpke, Jörg (2015) 'Religious individualisation in historical perspective', *Religion*, 45 (3), 323–329.
<https://doi.org/10.1080/0048721X.2015.1041795>
- Giddens, A. (1998). *The consequences of modernity*. Translated by M. Salasi. Tehran: Nashr-e Markaz. **[in Persian]**
- Giddens, A. (2006). *Modernity and self-identity*. Translated by N. Mofaghian. Tehran: Ney Publishing. **[in Persian]**
- Giddens, A. (2017). *Sociology*. Translated by H. Naeebi, Trans. Tehran: Ney Publishing. **[in Persian]**
- Hajiani, E. (2009). *Sociology of Iranian identity*. Tehran: Strategic Research Institute. **[in Persian]**
- Jan Moradijo, A., Azghandi, A. R., & Ebtehaj, S. M. (2019). *Political challenges of the new middle class in the Islamic Republic of Iran*. *Political Studies*, 12(46), 41–60. **[in Persian]**
- Jenkins, Richard (2002) *Social Identity*, Third Edition, Routledge.
- Jenkins, Richard (1996) *Pierre Bourdieu*, London: Routledge.
- Kakoei Dinki, E. (2021). *Cultural capital and social identity*. Tehran: Be Andish. **[in Persian]**
- Kazemi, A., & Amir Ebrahimi, M. (2021). *Mega malls and large commercial complexes in Tehran*. Tehran: Tehran Urban Planning and Research Center. **[in Persian]**
- Khorramshad, M. B., & Kord, F. (2019). *The effectiveness of the new middle class in achieving electoral participation in Iran (1997–2017)*. *Iranian Political Sociology*, 2(2), 709–102. **[in Persian]**
- Khoei, M. (2020). *Analysis of cultural consumption in Iranian society: In Media Consumption Analysis*, edited by Kh. Azizi Mehr. Tehran: the research center for Culture, Art and Communication. **[in Persian]**
- Kouritzin, Sandra. G (2000) *Bringing life to research: Life history research and ESL*, Savage, Mike (2015) *Social class in 21st century*, Pelican.
- Malesevic, S. (2017). *Identity as ideology*. Translated by Y. Ahmadi. Tehran: Kavir Publishing. **[in Persian]**

- Mayeli, M. R., & Khanjani, J. (2018). The new middle class and the development of the public sphere in Iran study period 1376 to 1384. *Politics Quarterly*, 48(1), 123–142. [in Persian] <https://doi.org/10.22059/jpq.2018.208516.1006828>
- Majidi, H., & Rostampour, M. (2017). The Approach of Government to New Middle Class in Islamic Republic of Iran (1989-2005). *National Interests Studies*, 8(30), 79–103. [in Persian]
- Masoudi, F. (2015). Targeting of subsidies and their impact on the new middle class. *Politics*, 2(5), 71–88. [in Persian]
- Mohammadpour, A. (2013). *Qualitative research method*. Tehran: Sociologists Publishing. [in Persian]
- Moghadamfar, A. (2018). *The transformation and status of the middle class in contemporary Iran*. Tehran: Ariaban Publications. [in Persian]
- Neuman, L. (2006) *Social research methods: Quantitative and qualitative approaches*, Third edition. London: Allyn and Bacon.
- Nikfar, M. R. (2021). The middle class and its impoverished layers. In N. Kamouri (Ed.), *In the middle, on the margins: A collection of articles*. Zamaneh Media. [in Persian]
- Postmes, Tom (2010) *Rediscovering Social Identity (Key Readings in Social Psychology)*, Psychology Press.
- Rezaei, M. (2020). *Cultural consumption studies: An analysis of students' cultural life*. Tehran: the research center for Cultural and Social Studies. [in Persian]
- Savage, Mike (2015) *Social class in 21st century*, Pelican.
- Sedaghat, P. (2021). Expansion and contraction of the middle class in Iran. In N. Kamouri (Ed.), *In the middle, on the margins: A collection of articles*. Zamaneh Media. [in Persian]
- Shahriari, H. (2021). Ideological gaps of new middle class after Iran Islamic Revolution. *Scientific Quarterly of Political and International Approaches*, 12(4), 13–44. [in Persian] <https://doi.org/10.29252/PIAJ.2021.220494.1030>
- Shams al-Dinnejad, M., Taheri, A., & Azghandi, A. (2019). The role of the new middle class in Iran's political development after the revolution with an emphasis on political participation. *Political Studies*, 11(43), 23–45. [in Persian]
- Sheikhi, M. T., Imani, M., & Imani, R. (2016). *Lifestyle and social identity of youth*. Tehran: Mahvareh Publications. [in Persian]
- Shieh, E., & Hajiani, M. (2019). The Impact of Megamalls on the Neighborhood Identity in Tehran Case study: Atlas Mall. *Journal of Studies on Iranian Islamic City*, 9(36), 69–79. [in Persian]
- Swartz, David (1997) *Culture & Power: The sociology of Pierre Bourdieu*. USA: University of Chicago Press.
- Touraine, A. (2024). *The sociology of social movements*. Translated by S. Sadeghizadeh. Tehran: Tarh-e No. [in Persian]

Turner, Jonathan H (1998) The structure of Sociological Theory, Wadsworth Publishing Company.

Worchel, Stephen, Morales, Francisco, Páez, Darío & Deschamps, Jean-Claude (2013) Social Identity: International Perspectives, SAGE Publications.

Wright, E. O. (2022). Understanding class. Translated by M. H. Bahrani. Tehran: Agah Publications. **[in Persian]**

Wright, E. O., et al. (2016). Approaches to class analysis. Translated by Y. Safari. Tehran: Lahita Publications. **[in Persian]**



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

